



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۴۰۲، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۲۵

ارزیابی وضعیت شاخص‌های حق به شهر (نمونه موردی: مناطق پنج‌گانه شهر اردبیل)

محمدحسن یزدانی*^۱، رسول عباسی^۲، فاطمه زادولی^۳

۱-استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری و روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل،

ایران. m.yazdani51@gmail.com

۲-دانشیار گروه تاریخ و جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۳-دانشجوی کارشناسی دانشگاه پیام نور، دانشکده علوم انسانی، گروه الهیات، علوم اسلامی و حقوق،

اردبیل، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۳

چکیده

امروزه بحث حق به زندگی شهری و حق‌خواهی در شهر و یا چنان که هنری لوفور می‌گوید، حق به شهر مورد توجه قرار گرفته است. با نگاهی اجمالی به وضعیت شهر اردبیل می‌توان شیوه نظام سرمایه‌داری و سودطلبی شخصی و کاهش دخالت ارگان‌های دولتی را به راحتی مشاهده نمود به گونه‌ای که در بیشتر موارد شهر به حال خود رها شده است و حق به شهر در بحبوحه سود طلبی‌های شهروندان و ارگان‌ها به فراموشی سپرده شده است. در این راستا هدف اصلی پژوهش ارزیابی شاخص‌های حق به شهر در اردبیل و مناطق شهری آن است که جهت جمع‌آوری داده‌ها از نظرات شهروندان مناطق (۳۸۳ نفر) و جهت تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS، Excel و مدل تصمیم‌گیری چندمتغیره کوپراس (KOPRAS) استفاده شده است. در همین خصوص نتایج تحقیق و آزمون t تک‌نمونه‌ای بیانگر این امر است که میانگین امتیاز شاخص‌های حق به شهر در شهر اردبیل ۲/۹۹ به دست آمده که حد متوسط را نشان می‌دهد. همچنین براساس مدل کوپراس، مناطق یک، سه، پنج و دو و چهار شهری به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم شاخص‌های حق به شهر را در مناطق شهری اردبیل را کسب کرده‌اند. از نظر سطح‌بندی نیز، مناطق یک و سه شهری در سطح خوب، مناطق دو و پنج شهری در سطح متوسط و منطقه چهار در سطح ضعیف قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، عدالت فضایی، حق به شهر، مدل کوپراس، شهر اردبیل.

مقدمه

بی‌عدالتی‌هایی چون خشونت، ناامنی، بهره‌کشی و فقر که برای بسیاری معرف زندگی شهری بوده و همراه با رشد سریع شهرنشینی به وجود می‌آید و نیز نمودهای کالبدی آن چون دسترسی نابرابر به سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که حاصل تقسیمات درهم‌پیچیده بین دسته‌های نژادی، طبقاتی و جنسیتی است، پا به منصفه ظهور می‌گذارند. ریشه این بی‌عدالتی‌ها را می‌توان در سه عامل متمایز ردیابی کرد: نخست - فرایندهای شهری تاریخی تبعیض و تفکیک نژادی و اجتماعی که علیرغم پایان تبعی قانونی و رسمی، در پی شکل‌دهی نابرابری می‌باشند، دوم- ساختار حکمرانی محلی معاصر که نامتمرکز و چندپاره است و سوم حک - شدن روابط نابرابر قدرت در مکان‌های کالبدی. ترکیب این سه عامل موجب دشواری در درک بی‌عدالتی، تعیین مسئولیت و در نتیجه تغییر آن می‌شود (Hayward & Swanstorm, 2011: 3). از این رو رشد و گسترش روزافزون شهرها از یکسو و اهمیت مطالعه در زندگی شهری و شیوه‌های دستیابی به حقوق شهروندی از سوی دیگر سبب شده است تا زمینه‌های لازم برای طرح مباحثی در مفهوم حق به شهر مطرح گردد، مفهومی که برای بار اول توسط هنری لوفور بیان گردید (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۹). او بر این باور است که انباشت سرمایه در جوامع سرمایه‌داری معاصر، از طریق شهری شدن اتفاق می‌افتد و همزمان نظارت بر و مراقبت از شهر از شهروندان گرفته و منافع حاصل از شهری شدن به نفع سرمایه (دولتی یا خصوصی) مصادره می‌شود.

حق به شهر به طور عام درصدد پس گرفتن نظارت بر و مراقبت از شهر و استفاده از منافع شهری شدن سرمایه است (حیبی و امیری، ۱۳۹۴: ۹). همچنین وی به‌عنوان پیشگام این نظریه حق به شهر را با حق زندگی شهری پیوند می‌زند؛ و چنین اظهار می‌دارد: شهر را نمی‌توان حقی ساده و قابل مشاهده دانست یا آن را بازگشتی به شهرهای سنتی تلقی کرد. حق به شهر تنها با دگرگونی و بازسازی حق زندگی شهری قابل تعریف است (یغفوری و کاشفی-دوست، ۱۳۹۷: ۸۵). در حال حاضر در اغلب شهرهای جهان، مفهوم حق به شهر به‌مثابه کنشی برای گسترش حقوق زیست ساکنان شهری (Purcell, 2014: 2) و دستیابی به حقوق شهروندی درک شده و از ضرورت‌های زیستی حقوقی شهر تلقی می‌گردد (Harvey, 2008: 4). عبارتی دیگر، حق به شهر معنایی فراتر از تقسیم عادلانه شهر موجود یا حق برابر نسبت به آن دارد. حق به شهر، خلق یک شهر متفاوت است، در نقل قول هاروی از رابرت پارک حق به شهر، خلق شهر دلخواه است (جودی گل‌لر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۷). لازم بذکر است که هاروی و مری فیلد (۲۰۰۲) در کتابی تحت عنوان "حق به شهر، ریشه‌های شهری، بحران‌های مالی" سرعت توسعه شهری و کمک به رفاه انسان‌ها را مورد پرسش قرار می‌دهند و اشاره به سخنان رابرت پارک می‌کنند: انسان با ساختن شهر به گونه‌ای غیرمستقیم بدون داشتن آگاهی از ماهیت عمل خویش، خویشتن را بارآفرینی کرده است. همچنین دیوید هاروی می‌گوید، حق به شهر حق تغییر دادن خودمان از طریق تغییر دادن شهر است و این حق حقی عمومی است و نه فردی. حق به شهر حقی است هدفمند نه حقی انحصاری و در برگیرنده نه تنها کارگران

ساختمانی بلکه همه کسانی است که به تجدید تولید زندگانی روزمره کمک می‌کنند. این مقاله با استفاده از دیدگاه هانری لوفور تلاش دارد شاخص‌های حق به شهر را در شهر اردبیل مورد بررسی قرار دهد. شهر اردبیل در چند دهه گذشته با افزایش چشم‌گیر جمعیتی (بعد از مرکز استان شدن در سال ۱۳۷۲)؛ مدیران را به تأمل واداشته است؛ زیرا گسترش فیزیکی و جمعیتی آن گوی سبقت را از برنامه ریزی و مدیریت شهر ربوده است. با نگاهی به وضعیت شهر می‌توان شیوه نظام سرمایه‌داری و سودطلبی شخصی و کاهش دخالت ارگان‌های دولتی را به راحتی مشاهده نمود به گونه‌ای که در بیشتر موارد شهر به حال خود رها شده است و حقوق شهروندی و به اصطلاح حق به شهر نادیده گرفته شده است. برخی مناطق آن در محاصره سرمایه است، نامکان‌ها شهر را درنوردیده‌اند و فضاهای عمومی را تقلیل داده‌اند و محلات حاشیه‌نشین در جای جای آن رشد کرده‌اند. لذا پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که شهر اردبیل و مناطق پنج‌گانه آن از نظر شاخص‌های حق به شهر در چه وضعیتی قرار دارد؟

پیشینه تحقیقات

ماسی (۱۹۹۴) در "بررسی حقوق شهروندی و فضاهای عمومی" حق به شهر را مورد توجه قرار داده و به این نتیجه رسیده است که فضاهای شهری تعلق جنسیتی دارند مانند پارک‌ها و خیابان‌ها که بانوان تنها نمی‌توانند از آنها استفاده مناسبی داشته باشند. چن و فنستر (۲۰۱۶) در پژوهش "بررسی مفاهیم تحلیلی جدید در مورد حق به شهر با نگاهی به مولفه‌های قومیت و جنسیت براساس زندگی روزانه" به این نتیجه رسیده‌اند که نقش زنان در حق به شهر نادیده گرفته شده است و اینکه فضا نقش محوری در شکل‌دهی شبکه‌های فعال مرتبط با حق به شهر دارد. هانکوک (۲۰۱۷) در پژوهش "حق به شهر، تبعیض و سیاست‌های فضایی در شهر" به تناقض بین سیاست‌های شهری و شاخص‌های حق به شهر در فرانسه رسیده است. عمادی و درس‌خوان (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان "حق حضور در شهر عدالت محور" به واکاوی نظری بر دیدگاه‌های دیوید هاروی پرداختند؛ در واقع این پژوهش به کمک روش توصیفی-تحلیلی ضمن مروری بر ادبیات موضوع، به بررسی دیدگاه‌های هاروی در ارتباط با شهرهای عدالت‌محور پرداخته است. نتایج آن نیز بیانگر آن است که حق حضور در شهر عدالت محور به زعم هاروی ناشی از کنترل عادلانه بر تولید و کاربرد سرمایه مازاد، دموکراتیزه کردن حق به شهر و ساخت یک جنبش اجتماعی گسترده برای تقویت قدرت آن است. فرحزاد و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیق "شناسایی عوامل تأثیرگذار بر حضور و مشارکت زنان در فضای شهری از منظر حق به شهر" در منطقه ۲۲ شهر تهران عوامل اصلی تأثیرگذار معرفی شده‌اند و مشخص گردید که میان متغیرهای سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و مدت زمان اقامت در فضا با حق به شهر ارتباط معناداری وجود دارد. قیومی (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان "الزامات برنامه‌ریزی شهری عدالت‌محور بر مبنای حق به شهر زنان در فضاهای شهری" به بررسی و ارزیابی ابعاد مختلف زندگی زنان در محله هفت‌حوض در پنج مؤلفه فرصت مشارکت اقتصادی، حضور در فضای عمومی، خدمات برای سکونت،

مشارکت در مدیریت شهری و امکان دسترسی و تردد پرداخته است و نتایج حاصل از تحلیل یکپارچه مؤلفه‌های پنج‌گانه نشانگر این بوده است که زیر محله‌های پیشنهادی دو و پنج در محله هفت حوض از وضعیت مطلوبتری نسبت به سایر زیر محله‌ها برخوردارند همچنین شاخص‌های مرتبط با مؤلفه خدمات برای سکونت زنان از وضعیت مناسبتری نسبت به سایر شاخص‌ها برخوردار است. یغفوری و کاشفی‌دوست (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان "ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های برآمده از حق به شهر (نمونه موردی: شهر پیرانشهر)"، به این نتیجه رسیده‌اند که شهروندان در دو مؤلفه حکمروایی شهری و دسترسی فضایی ناراضی‌تری دارند ولی در شاخص‌های شمولیت اجتماعی و سرزندگی شهری تا حدودی رضایت شهروندان را به همراه داشته است. در شاخص‌هایی که ترکیب سازشی از ۴ مؤلفه اصلی و زیرشاخص‌های آنها می‌باشد با عنایت به پایین بودن مقدار میانگین از حد متوسط و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، می‌توان چنین اظهار نمود که حق به شهر در شهر پیرانشهر مورد رضایت شهروندان نمی‌باشد. بررسی میانگین شاخص‌های حق به شهر در هر یک از محلات شهر پیرانشهر نشان می‌دهد که محلات ۲، ۳ و ۴ بیشترین میزان رضایت‌مندی از حق به شهر را اظهار نمودند و در مقابل محلات ۱۴، ۱۵ و ۷ شهر کمترین میزان رضایت‌مندی را داشتند. شکوری و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی تحت عنوان "تحقق‌پذیری حق شهری: شناسایی راهبردهای فضایی برآمده از حق شهری بر مبنای دستگاه فکری هانری لوفور" به بازبینی و به رسمیت شناختن حقوق شهروندی و حق حضور در فضاها عمومی شهری پرداخته‌اند و مفهوم حق به شهر و نظریات هانری لوفور و نظریات صاحب‌نظرانی چون: هایدگر و... در خصوص حضورپذیری بررسی گردیده است و در نهایت چهار دسته راهبرد اجتماعی، عملکردی، ادراکی و کالبدی بر مبنای حق حضور ارائه گردیده است. زارع شاه‌آبادی و غلامی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان "رابطه بین حق به شهر و احساس تعلق در بین شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر یزد" ضمن معرفی مفهوم حق به شهر و دیدگاه هاروی و لوفور در خصوص این مفهوم، متغیرهایی را در ارتباط با احساس تعلق و حق به شهر ارائه کرده است و به متغیرهایی همچون مالکیت، سهم فیزیکی، حمل و نقل راحت و... اشاره کرده است. نتایج این مطالعه نشان داده است که بین حق به شهر، احساس تعلق و ابعاد آن، دسترسی به سرگرمی، احساس امنیت، حمل و نقل راحت، سهم فیزیکی و کنترل و مالکیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین ناحیه‌های شهری، حق به شهر و احساس تعلق نیز رابطه معناداری وجود دارد. در نهایت با توجه به مدل رگرسیونی، دو متغیر جنسیت و حق به شهر، در مجموع ۱۶ درصد از واریانس احساس تعلق را تبیین می‌کنند. علی بیکی علوی (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان "ارزیابی تاثیر شهرکهای لوکس دروازه‌دار بر شهر با تأکید بر رویکرد عدالت محیطی و در چارچوب مفهوم حق به شهر (نمونه مطالعاتی: شهرک باستی شهر لواسان)" به این نتیجه رسیده است که شهرک باستی از منظر عدالت محیطی و حق به شهر بر شهر لواسان اثراتی را بر جای گذاشته است که با توجه به امتیازات به دست آمده پیرامون میزان تاثیرگذاری این مجموعه بر شهر از منظر هفده معیار، متغیر عدالت محیطی و معیارهای پایداری و برابری و رفاه اجتماعی با میزان

۰/۷۶۷ در کنار مواردی اعم از کنترل، مدیریت و نظارت بر منابع طبیعی خصوصاً تعرض به محیط زیست و تجاوز به حریم شهر با شهرکسازی صورت گرفته و همچنین دسترسی ناعادلانه به خدمات و توزیع ناعادلانه امکانات و ثروت و بحث خدشه دار شدن برابری و عدالت، تشدید تضاد طبقاتی در شهر و افزایش شکاف قیمت زمین و مسکن، بیشترین اثرپذیری را به خود اختصاص داده است.

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ روش توصیفی-تحلیلی و از لحاظ هدف کاربردی بوده و داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری این تحقیق شهروندان مناطق پنج‌گانه شهر اردبیل (حدوداً ۶۲۰ هزار نفر در سال ۱۴۰۰) است که به روش فرمول ریاضی کوکران تعیین حجم شده (۳۸۳ نفر)، به روش تصادفی طبقه‌بندی شده، نمونه‌گیری و تکمیل پرسشنامه شده است. ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه محقق‌ساخته است که روائی محتوای سئوالات پرسشنامه از نظر کارشناسی اساتید و متخصصان مرتبط با این موضوع تایید شده است و همچنین پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۲۹ به دست آمد که نشان از قابلیت بالا و سطح اطمینان ابزار تحقیق است. در راستای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، ابتدا از طریق آزمون t تک‌نمونه‌ای در قالب نرم‌افزار SPSS وضعیت شهر مورد ارزیابی قرار گرفت، سپس در خصوص ارزیابی مناطق شهری، وزن نهایی شاخص‌های اصلی حق به شهر با استفاده از مدل آنتروپی، تعیین شد. در مرحله بعد داده‌های به دست آمده در محیط Excel وارد شد و با استفاده از مدل کوپراس، مناطق پنج‌گانه شهر اردبیل از نظر شاخص‌های حق به شهر رتبه‌بندی شد. گام مهم دیگر در تحقیقات، تعیین شاخص‌های لازم برای اندازه‌گیری و ارزیابی است. در همین راستا، در مقاله حاضر شاخص‌های حق به شهر که از مبانی نظری استخراج شده و در ادامه توسط کارشناسان تایید شده است، مدنظر می‌باشد که در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- شاخص‌های حق به شهر

شاخص‌ها	مفاهیم کلیدی
حق بر دسترسی به خدمات شهری	خدمات آموزشی و تربیتی شامل مراکز دانشگاهی و مدارس در مقاطع مختلف تحصیلی
	بهره‌مندی از محیط‌ها و توزیع صحیح و به عبارتی جامع‌تر، عدالت فضایی
	توزیع خدمات ضروری زندگی در شهر شامل: پلیس، آب، فاضلاب، حمل و نقل و... برای استمرار زندگی
	خدمات مانند پارک‌ها، اماکن تفریحی، خیابان‌ها و... برای تأمین آسایش شهروندان
حق آیندگان بر شهر	متعادل بودن توازن جمعیتی (شامل مهاجرت‌های درون و بیرون شهری، تراکم بیش از حد کاربری‌ها در مناطق خاص)
	حفاظت از فرهنگ‌ها به عنوان بخشی از میراث مشترک متعلق به بشریت
	حفاظت از محیط زیست
	وجود تعهدات بین نسلی

حق تخصیص فضای شهری مستلزم حق حیات، تفریح، اشتغال، بازنمایی، تشخیص بخشیدن و استفاده از فضای شهری در یک شهر	حق بر مالکیت شهری
مدیریت دموکراتیک شهر (حق مشارکت مستقیم یا توسط نماینده در نظارت، برنامه‌ریزی و حکمرانی شهرها را به منظور افزایش شفافیت، کارایی و استقلال دولت‌های عمومی محلی و سازمان‌های مردمی)	
کارکرد اجتماعی شهر (ضمانت دادن به همه افراد برای حق استفاده از اقتصاد، فرهنگ و منابع خود و همینطور پروژه‌های شهری و سرمایه‌های انباشتی برای منافع شهروندان از طریق توجه به تحقق معیارهای توزیع عادلانه، احترام به فرهنگ و پایداری زیست‌محیطی؛ رفاه همه شهروندان در وضعیت هماهنگی با طبیعت، برای امروز و برای نسل‌های آینده)	
کارکرد اجتماعی املاک (اولویت منافع زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی در استفاده از فضاها و اموال عمومی و خصوصی متعلق به شهر و شهروندان، شهروندان حق مشارکت در مالکیت اراضی شهری را بر اساس عوامل دموکراتیک در آرمان‌های عدالت اجتماعی و تحت شرایط زیست‌محیطی پایدار دارند، ارتقاء برابری زیست‌محیطی و جنسی و امنیت به وسیله تدوین و اجرای سیاست‌های عمومی، استفاده عادلانه اجتماعی هم فضا و هم زمین شهری و ارجحیت تدوین و اجرای سیاست‌های عمومی منافع فرهنگی و اجتماعی بر حق مالکیت شخصی)	مشارکت در تصمیم‌گیری، اجرای طرح‌ها و پروژه‌های شهری
وجود انجمن‌های داوطلبانه مردمی به عنوان عضوی از نیروهای اجتماعی فعال، رابط بین حوزه اقتصادی و سیاسی و قسمت اصلی حوزه عمومی	
تمرکززدایی از مدیریت شهری (مدیریت شهری توسط فرودست‌ترین سطوح صلاحیت‌دار)	
ایجاد مشارکت مستقیم و مشورتی در تدوین سیاست و بودجه	شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون در مدیریت شهر
اطمینان از عملکرد و توزیع عادلانه خدمات و اختصاص دادن منابع و فرصت‌ها به‌ویژه برای اقلیت‌ها، محرومین، فقرا، سالمندان و کودکان و افراد دارای معلولیت شهری	
امکان نظارت و بازرسی شهروندان بر خدمت‌گذاران و دولت‌مردان	
تنظیم و اعمال سیاست‌های هماهنگ و کارآمد علیه فساد مالی	حق بر اطلاعات شهری
حق شهروند بر مطالبه و حق بر دریافت کامل، درست، مناسب و به موقع اطلاعات از هر بخشی از مدیریت شهر یا از مدیران قانون‌گذار یا قضایی، در مورد فعالیت‌های اداری و مالی که مسئول تأمین خدمات عمومی هستند	
ضمانت و تعهد شهرها (مشولین شهری) در دستیابی شهروندان به اطلاعات عمومی	
برابری بین نسل‌ها، برابری درون نسل‌ها (شامل برابری اجتماعی، برابری جغرافیایی و برابری در حکومت)	توسعه عادلانه و پایدار
حفاظت از محیط طبیعی (و زندگی در چارچوب ظرفیت و تحمل آن)	
استفاده حداقل از منابع تجدید نشدنی	
بقای اقتصاد و تنوع	
جامعه خوداتکا	
رفاه فردی و رفع نیازهای اساسی افراد جامعه	
جبران خسارت سکونتگاه‌های حاشیه‌ای و بی‌ثبات	

منابع (آخوندزردینی، ۱۴۰۰: ۴۸؛ علی‌بیگی، ۱۴۰۰: ۶۱ و مطالعات کتابخانه‌ای نویسندگان، ۱۴۰۱)

یافته‌ها

یکی از اهداف این تحقیق ارزیابی وضعیت شاخص‌های هفت‌گانه حق به شهر در شهر اردبیل می‌باشد که بدین منظور از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. از آنجایی که در این خصوص از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده

شده است (امتیاز ۱ = خیلی ضعیف و امتیاز ۵ = خیلی خوب)، به این ترتیب عدد ۳ به عنوان میانگین نظری پاسخ-ها در نظر گرفته شده و میانگین به دست آمده (میانگین تجربی) با عدد ۳ مقایسه می‌شود. لازم بذکر است که باید قبل از انجام آزمون t ، نرمال بودن توزیع داده‌های مربوطه مورد بررسی قرار گیرد. در همین خصوص نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرونوف نشان داد که داده‌های مربوطه دارای توزیع نرمالی هستند.

در جدول شماره ۲، وضعیت شاخص‌های هفت‌گانه حق به شهر، از دیدگاه شهروندان ارائه شده است.

جدول ۲- آزمون t تک نمونه‌ای شاخص‌های حق به شهر در شهر اردبیل

ر	شاخص‌های حق به شهر	میانگین	اختلاف میانگین	مقدار t	معیار تصمیم
۱	حق بر دسترسی به خدمات شهری	۳/۳۵	۰/۳۵	۴/۴۲	۰/۰۰۰
۲	حق آیندگان بر شهر	۲/۹۹	-۰/۰۱	۰/۰۱۹	۰/۹۷۱
۳	حق بر مالکیت شهری	۳/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۸۸	۰/۲۴۷
۴	مشارکت در تصمیم‌گیری، اجرای طرح‌ها و پروژه‌های شهری	۳/۱۲	۰/۱۲	۱/۱۲	۰/۰۹۴
۵	شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون در مدیریت شهر	۲/۷۵	-۰/۲۵	-۳/۷۹	۰/۰۰۱
۶	حق بر اطلاعات شهری	۲/۵۸	-۰/۴۲	-۵/۸۳	۰/۰۰۰
۷	توسعه عادلانه و پایدار	۳/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۶۴	۰/۳۸۰
	حق به شهر	۲/۹۹	-۰/۰۱	۰/۰۲۲	۰/۹۶۸

ماخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۴۰۰

یافته‌های تحقیق بیانگر این امر است که شاخص‌های حق بر دسترسی به خدمات شهری (۳/۳۵)، مشارکت در تصمیم‌گیری، اجرای طرح‌ها و پروژه‌های شهری (۳/۱۲)، حق بر مالکیت شهری (۳/۰۷)، توسعه عادلانه و پایدار (۳/۰۵)، حق آیندگان بر شهر (۲/۹۹)، شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون در مدیریت شهر (۲/۷۵) و حق بر اطلاعات شهری (۲/۵۸) به ترتیب میانگین نظرات از طرف شهروندان امتیاز کسب کرده‌اند. در همین خصوص، چهار شاخص اول بالای میانگین نظری تحقیق (حد متوسط=۳) و سه شاخص بعدی پایین‌تر از میانگین نظری امتیاز کسب کرده‌اند. در خصوص معناداری آزمون هم می‌توان گفت تنها سه شاخص حق بر دسترسی به خدمات شهری، حق بر اطلاعات شهری و شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون در مدیریت شهر، اختلاف معناداری را نشان می‌دهد (معیار تصمیم کمتر از ۰/۰۵ و مقدار آماره T بیشتر از ۱/۹۶)، یعنی بین میانگین نظری (۳) با میانگین به‌دست آمده آنها (۳/۳۵ و ۲/۵۸ و ۲/۷۵) اختلاف معناداری وجود دارد. در بقیه شاخص‌ها اختلاف میانگین معنادار نیست، چون میانگین‌های به‌دست آمده آنها (میانگین تجربی) نزدیک به میانگین نظری ۳ است. لذا می‌توان گفت که شهر اردبیل از لحاظ شاخص‌های حق به شهر در وضعیت متوسط قرار دارد، چراکه میانگین کلی برابر با ۲/۹۹ است (در حد متوسط). این مطالب را آزمون t در سطح معناداری ۹۵ درصد تایید می‌کند.

یکی دیگر از اهداف تحقیق سنجش شاخص‌های حق بر شهر در مناطق شهری اردبیل بود که در این راستا مناطق پنج‌گانه شهر اردبیل با توجه به شاخص‌های هفت‌گانه، از نگاه شهروندان مناطق شهری مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که برای این منظور از مدل کوپراس استفاده شده است. این مدل از شش مرحله اصلی تشکیل شده که در ادامه به ترتیب ارائه شده‌اند.

مرحله اول: اولین مرحله از مدل یادشده، تشکیل ماتریس داده‌های خام است. در همین راستا، میانگین نظرات شهروندان در خصوص شاخص‌های هفت‌گانه حق بر شهر در مناطق پنج‌گانه شهر اردبیل در قالب جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- ماتریس داده‌های خام شاخص‌های حق بر شهر در مناطق شهری اردبیل

مناطق شهری	حق بر دسترسی به خدمات شهری	حق آیندگان بر شهر	حق بر مالکیت شهری	مشارکت در امور شهری	شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون در مدیریت شهر	حق بر اطلاعات شهری	توسعه عادلانه و پایدار
منطقه یک	۳/۸۱	۳/۳۱	۳/۲۷	۳/۴۵	۲/۹۸	۲/۷۹	۳/۳۷
منطقه دو	۳/۲۲	۲/۸۶	۳/۰۷	۳/۰۲	۲/۷۴	۲/۵۷	۳/۰۷
منطقه سه	۳/۵۶	۳/۰۱	۳/۱۶	۳/۲۸	۲/۸۸	۲/۸۲	۳/۱۸
منطقه چهار	۲/۹۲	۲/۷۹	۲/۸۸	۲/۹۹	۲/۵۴	۲/۲۹	۲/۷۴
منطقه پنج	۳/۲۳	۲/۹۹	۲/۹۷	۲/۸۹	۲/۶۳	۲/۴۵	۲/۹۱

ماخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۴۰۰

جدول شماره ۳ نشانگر این امر است که در خصوص شاخص‌ها، شاخص دسترسی به خدمات شهری نسبت به مابقی شاخص‌ها در وضعیت بهتری قرار دارد. همچنین در خصوص مناطق شهری، منطقه چهار نسبت به سایر مناطق شهری در وضعیت نامناسب‌تری قرار دارد.

مرحله دوم: با توجه به این‌که عوامل از اهمیت یکسانی برخوردار نمی‌باشند، لذا برای ارزیابی دقیق‌تر لازم است تا اهمیت و یا وزن نسبی هرکدام از آنها مشخص گردد. برای همین منظور با استفاده از روش آنتروپی، وزن شاخص‌های تحقیق محاسبه شد (جدول ۴).

جدول ۴- وزن شاخص‌های حق به شهر با استفاده از مدل آنتروپی

شاخص‌ها	حق بر دسترسی به خدمات شهری	حق آیندگان بر شهر	حق بر مالکیت شهری	مشارکت در امور شهری	شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون در مدیریت شهر	حق بر اطلاعات شهری	توسعه عادلانه و پایدار	مجموع
وزن	۰/۱۵۸	۰/۱۳۸	۰/۱۴۹	۰/۱۳۴	۰/۱۲۷	۰/۱۲۳	۰/۱۷۱	۱۰۰

ماخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۴۰۰

خروجی روش آنتروپی نشان می‌دهد که شاخص‌های حق به شهر وزن‌های متفاوتی دارند. به‌گونه‌ای که شاخص توسعه عادلانه و پایدار با وزن ۱۷/۱ درصد، بیشترین وزن و اهمیت را کسب کرده است. در مقابل شاخص حق بر اطلاعات شهری با ۱۲/۳ درصد، کمترین وزن یا اهمیت را در بین شاخص‌های هفت‌گانه تحقیق کسب کرده است. مرحله سوم: در این مرحله که نرمالیزه کردن ماتریس تصمیم‌گیری است، برای وزن‌دار کردن ماتریس خام، مقادیر هر گزینه در وزن آنها ضرب شده و بر مجموع مقادیر تقسیم می‌شود. در این مرحله علاوه بر وزن‌دار کردن معیارها، نرمال‌سازی نیز انجام می‌شود. برای نمونه شاخص حق بر دسترسی به خدمات شهری برای منطقه یک شهری به صورت زیر نرمالیزه می‌شود. بقیه موارد در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

$$= \frac{3.81}{16/74} * 0.158 = 0.0359d_{11}$$

جدول ۵- ماتریس وزن‌دار (نرمالیزه شده)

مناطق شهری	حق بر دسترسی به خدمات شهری	حق آیندگان بر شهر	حق بر مالکیت شهری	مشارکت در امور شهری	شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون در مدیریت شهر	حق بر اطلاعات شهری	توسعه عادلانه و پایدار
منطقه یک	۰/۰۳۵۹۶۱	۰/۰۳۰۵۳۳	۰/۰۳۱۷۴۱	۰/۰۲۹۵۷۸	۰/۰۲۷۴۸۴	۰/۰۲۶۵۶۱	۰/۰۳۷۷۳۹
منطقه دو	۰/۰۳۰۳۹۲	۰/۰۲۶۳۸۲	۰/۰۲۹۸	۰/۰۲۵۸۹۱	۰/۰۲۵۲۷۱	۰/۰۲۴۴۶۷	۰/۰۳۴۳۷۹
منطقه سه	۰/۰۳۳۶۰۱	۰/۰۲۷۷۶۶	۰/۰۳۰۶۷۴	۰/۰۲۸۱۲	۰/۰۲۶۵۶۲	۰/۰۲۶۸۴۷	۰/۰۳۵۶۱۱
منطقه چهار	۰/۰۲۷۵۶	۰/۰۲۵۷۳۷	۰/۰۲۷۹۵۶	۰/۰۲۵۶۳۴	۰/۰۲۳۴۲۶	۰/۰۲۱۸۰۱	۰/۰۳۰۶۸۴
منطقه پنج	۰/۰۳۰۴۸۶	۰/۰۲۷۵۸۲	۰/۰۲۸۸۲۹	۰/۰۲۴۷۷۷	۰/۰۲۴۲۵۶	۰/۰۲۳۳۲۴	۰/۰۳۲۵۸۷

ماخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۴۰۰

مرحله چهارم: پس از شناسایی معیارهای مثبت و منفی، مشخص شد تمامی هفت شاخص مدنظر در این پژوهش مثبت و سازگارند، اما از آنجاکه کمبود هریک از این شاخص‌ها، مشکلاتی را به وجود می‌آورد، هرکدام از آن‌ها

که مقدار کمتری در مقایسه با سایر شاخص‌ها دارد، منفی به حساب می‌آید؛ زیرا هرچه وضعیت هر شاخص کمتر باشد (نامناسب)، برای هریک از مناطق شهری، شرایط نامناسبی ایجاد خواهد شد، اما در شاخص‌های دیگر پژوهش، افزایش وضعیت معیارها، مطلوبیت بیشتری به همراه خواهد داشت؛ گزینه‌هایی که به وسیله شاخص‌های مثبت محاسبه می‌شوند S_j^+ و گزینه‌هایی که به وسیله شاخص‌های منفی محاسبه می‌شوند S_j^- می‌گویند. برای مثال، در خصوص منطقه یک شهری، از آنجا که میزان به دست آمده امتیاز برای شاخص حق بر دسترسی به اطلاعات کمتر از حد متوسط همان شاخص است (مطابق ماتریس داده‌های خام) شاخص منفی منطقه یک شهری محسوب شد. در ادامه مثال یادشده در قالب فرمول مربوطه و سپس نتایج تمامی موارد در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

$$S_j^+ = 0.035961 + 0.030533 + 0.031741 + 0.029578 + 0.027484 + 0.037739 = 0.193036$$

$$S_j^- = 0.026561$$

جدول ۶- محاسبه شاخص‌های مثبت و منفی حق به شهر در اردبیل

$1/S_j^-$	S_j^-	S_j^+	مناطق شهری
۳۷/۶۴۸۹۸	۰/۰۲۶۵۶۱	۰/۱۹۳۰۳۶	منطقه یک
۱۳/۱۳۷۱۶	۰/۰۷۶۱۲	۰/۱۲۰۴۶۲	منطقه دو
۳۷/۶۴۷۶۴	۰/۰۲۶۵۶۲	۰/۱۸۲۶۱۹	منطقه سه
۳/۳۶۲۷۹۱	۰/۱۵۷۱۶۴	۰/۰۲۵۶۳۴	منطقه چهار
۱۳/۸۲۰۲۹	۰/۰۷۲۳۵۷	۰/۱۱۹۴۸۵	منطقه پنج

ماخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۴۰۰

مرحله پنجم: محاسبه ارزش نهایی گزینه‌ها (رتبه‌بندی مقایسه‌ای گزینه‌ها که بر اساس شاخص‌های مثبت و منفی). اهمیت نسبی Q_j از هر گزینه A_j محاسبه می‌شود. مقدار Q_j نشان‌دهنده میزان ارزش و اهمیت هر یک از گزینه‌ها بر حسب شاخص‌ها است. مقدار ارزش بالا، نشانگر اهمیت و مطلوبیت بیشتر گزینه‌ها خواهد بود. به عنوان نمونه، مقدار Q_j برای منطقه یک شهری به صورت زیر محاسبه شده است:

$$Q_j = 0.193036 + \frac{0.026561 + 0.07612 + 0.026562 + 0.157164 + 0.072357}{0.026561 \left(\frac{1}{0.026561} + \frac{1}{0.07612} + \frac{1}{0.026562} + \frac{1}{0.157164} + \frac{1}{0.072357} \right)}$$

$$= 0.193036 + \frac{0.124356}{0.026561(108.6169)} = 0.317392$$

مرحله ششم: مرحله نهایی مشخص کردن گزینه‌ای است که بهترین وضعیت را در بین شاخص‌ها دارد. با افزایش یا کاهش رتبه هر گزینه درجه اهمیت آن گزینه نیز افزایش یا کاهش می‌یابد. گزینه‌هایی (مناطق شهری) که بهترین

وضعیت را به لحاظ شاخص‌های حق به شهر داشته‌اند، با بالاترین درجه اهمیت N_j مشخص می‌شوند. N_j برابر با ۱۰۰ درصد است. مقدار کلی درجه اهمیت هر معیار از ۰ تا ۱۰۰ درصد متغیر است و در میان این دامنه بهترین و بدترین گزینه تعیین می‌شود. درجه اهمیت هر N_j از گزینه A_j محاسبه می‌شود. برای نمونه، این فرایند برای منطقه دو شهری به صورت زیر می‌باشد (مقدار Q_j هر منطقه تقسیم بر بیشترین مقدار Q_j در بین مناطق ضرب به ۱۰۰):

$$N_j = \frac{0.163855}{0.317392} * 100 = 56.1$$

جدول ۷- رتبه‌بندی مناطق شهری اردبیل براساس شاخص‌های حق به شهر

رتبه	N_j (%)	Q_j	مناطق شهری
اول	۱۰۰	۰/۳۱۷۳۹۲	منطقه یک
چهارم	۵۱/۶	۰/۱۶۳۸۵۵	منطقه دو
دوم	۹۶/۷	۰/۳۰۶۹۷	منطقه سه
پنجم	۱۴/۷	۰/۰۴۶۶۵۱	منطقه چهار
سوم	۵۲/۱	۰/۱۶۵۱۳۳	منطقه پنج

ماخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۴۰۰

نتایج نهایی مدل کوپراس نشانگر این مطلب است که، وضعیت منطقه یک شهری اردبیل از نظر شاخص‌های حق به شهر بهتر از سایر مناطق شهری بخصوص منطقه چهار است. مناطق یک شهری، سه، پنج، دو و چهار به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم حق به شهر را در مناطق شهری شهر اردبیل کسب کردند. در سطح بندی نیز با توجه به نزدیکی امتیازها می‌توان مناطق یک و سه شهر را در سطح اول برخوردار (سطح خوب)، مناطق دو و پنج را در سطح دوم برخوردار (سطح متوسط) و منطقه چهار را در سطح سوم برخوردار (سطح ضعیف) دسته‌بندی نمود.

نتیجه‌گیری

آنچه که اخیراً با توجه به گسترش شهرها و اهمیت مطالعه و بررسی زندگی شهری و شیوه حق‌خواهی در شهر مورد

توجه قرار گرفته، بحث حق به زندگی شهری یا چنان که هنری لوفور می‌گوید، حق به شهر است. حق و حقوقی که امروزه در تقابل با مسائل شهری است و سعی بر آن است تا شهر زیست‌پذیر و پایدار برای همه شهروندان تحقق یابد. در این راستا هدف اصلی این پژوهش ارزیابی شاخص‌های حق به شهر در شهر اردبیل بود که با استفاده از نظرات شهروندان و در ادامه آزمون‌های آماری و مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره کوپراس انجام شد.

نتایج تحقیق نشان داد که شهر اردبیل از نظر شاخص‌های حق به شهر در وضعیت حد متوسط قرار دارد. هرچند که بین مناطق پنج‌گانه شهری آن تفاوت‌هایی وجود دارد. هسته مرکزی شهر (منطقه یک) در رتبه و سطح اول و منطقه حاشیه‌نشین شهر اردبیل (منطقه چهار) در رتبه و سطح آخر حق به شهر قرار گرفته‌اند.

در همین راستا و در خصوص شاخص دسترسی به خدمات شهری (دسترسی به خدمات آموزشی، بهداشتی-درمانی، حمل و نقل، تاسیسات و تجهیزات شهری، ورزشی-تفریحی، فرهنگی-هنری، اداری-انتظامی و ...)، با توجه به نحوه توزیع جمعیت و خدمات یادشده در سطح مناطق شهری، میانگین دسترسی درحد متوسط به بالا به دست آمده است. اما از نظر عدالت فضایی، شهروندان منطقه حاشیه‌نشین شهر (منطقه چهار) نسبت به منطقه مرکزی (منطقه یک) دسترسی ضعیفی به خدمات شهری دارند.

در خصوص شاخص حق آیندگان بر شهر که درحد متوسط ارزیابی شده، منطقه یک شهری که بافت مرکزی و هسته ارگانیک شهر است نسبت به فرهنگ‌ها و میراث فرهنگی از پای‌بندی بالاتری برخوردارند اما مناطق حاشیه‌ای شهر (بخصوص منطقه چهار) به دلیل پایگاه اجتماعی-اقتصادی ضعیف‌تر، نسبت به حفاظت از محیط زیست و میراث فرهنگی، سهل‌انگارتر هستند و درواقع تعهدات بین نسلی آنها ضعیف‌تر است.

در خصوص شاخص حق بر مالکیت شهری نیز همین قضیه وجود دارد. وضعیت شهر در حالت کلی درحد متوسط ارزیابی شده است اما تفاوت منطقه‌ای بیشتر از جانب منطقه یک با منطقه چهار به چشم می‌آید.

اما قضیه شاخص مشارکت در تصمیم‌گیری، اجرای طرح‌ها و پروژه‌های شهری کمی متفاوت تر از بقیه است. در این شاخص وضعیت کلی شهر درحد متوسط به بالا ارزیابی شده است هرچند که میزان تمایل مشارکت شهروندان بالا است اما عدم دخالت دادن شهروندان در امورات شهری یکی از مهمترین چالش‌های این حوزه است که در اکثر شهرهای ایران صدق می‌کند. در این خصوص هم تفاوت اصلی بین هسته مرکزی شهر با منطقه حاشیه‌ای شهر به دست آمده است.

در خصوص شاخص‌های شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون در مدیریت شهر و حق بر اطلاعات شهری میانگین نظرات شهروندان راضی کننده نیست و نشان از ضعف شاخص‌های حکمرانی خوب شهری در شهر اردبیل است. جایی که امکان نظارت و بازرسی شهروندان بر خدمت‌گذاران و دولت‌مردان وجود ندارد؛ دستیابی شهروندان به اطلاعات عمومی شهر محدود است و خدمات شهری برای اقشار و مناطق به صورت خوشه‌ای و ناعادلانه تخصیص یافته است. مجموعه عوامل مذکور که در مناطق حاشیه‌ای از جمله منطقه چهار نمود و جلوه بیشتری دارد، نشان از ناکارآمدی مدیریت شهری و ضعف اثرگذاری آنهاست.

نهایتاً در خصوص شاخص توسعه عادلانه و پایدار، ارزیابی شهروندان از وضعیت موجود شهر، درحد متوسط است. در این شاخص تفاوت‌های مشهود اقتصادی-اجتماعی و کالبدی بین مناطق شهری وجود دارد (باز هم بین مناطق یک و چهار شهری)، استفاده از منابع تجدیدپذیر در اولویت نیست؛ تنوع و پایداری اقتصادی حاکم نیست؛ سکونتگاه‌های غیررسمی همچنان رشد قارچ‌گونه خود را ادامه می‌دهند و توزیع خدمات و امکانات براساس استحقاق و اولویت‌های منطقه‌ای نیست.

از این رو، اتخاذ راهکارهای مدیریتی و مشارکتی و استفاده از توان آموزشی شهروندان می‌تواند در تحقق شاخص-های حق به شهر بسیار مفید واقع شود. بر اساس نتایج تحقیق، پیشنهاد موضوعی بدین شرح است که آموزش جامع برای همه‌ی مدیران و شهروندان به وسیله نهادهای مربوط صورت پذیرد، چراکه در صورتی که افراد از آگاهی کافی برخوردار و توانمند شده باشند، می‌توان امیدوار بود که با مطالبه‌گیری حق به شهر و حقوق شهروندی، زمینه شکل‌گیری شهر زیست‌پذیر و پایدار مهیاتر خواهد شد. در باب پیشنهادات موضعی نیز، با استناد بر نتایج رتبه‌بندی، اولویت با منطقه چهار شهری است. منطقه‌ای که اکثراً حاشیه‌نشین محسوب می‌شوند، پایگاه اقتصادی-اجتماعی ضعیفی دارند و مباحث پایداری و زیست‌محیطی برایشان از اهمیت پایین‌تری برخوردار است. در حالت کلی پیشنهاد می‌گردد تا:

خدمات شهری باتوجه به معیارهای "عدالت فضایی"، استحقاق و نیاز منطقه‌ای ایجاد و یا باز توزیع گردد (اولویت با مناطق پیرامونی شهر بویژه منطقه چهار شهری).

در استفاده از منابع شهری، اصل "پایداری و حفاظت" مورد تاکید باشد. میراث فرهنگی و محیط زیست جزو تعهدات بین نسلی قلمداد شود.

اصل "شهر برای همه" در اهم برنامه‌ها قرار گیرد. خدمات و امکانات شهری برای همه اقشار (کودکان، جوانان، معلولان، بانوان، سالمندان و ...) و همه مناطق شهری در نظر گرفته شود.

در برنامه‌های توسعه شهری، شهروندان به عنوان ذی‌نفعان مستقیم طرح‌ها، "مشارکت" داده شوند.

اصول "حکمرانی خوب شهری" سرلوحه مدیریت شهری قرار گیرد. شفافیت در برنامه‌ها و منابع، پاسخگویی در امورات، آزادی در دستیابی به اطلاعات عمومی شهر، کارآمدی و اثرگذاری برنامه‌ها و مدیران شهری از مهمترین شاخص‌های حکمروایی خوب شهری است که در بحث حق به شهر از مهمترین شاخص‌ها محسوب می‌شوند.

منابع

- آخوندزردینی، مصطفی (۱۴۰۰)، ارزیابی تحولات محدوده بافت تاریخی شهر یزد از منظر مفهوم حق به شهر، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، به راهنمایی دکتر سحر ندایی طوسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- جودی گل‌لر، پویا؛ زمانیان، روزبه و فتحی، حمید (۱۳۹۴) ردیابی انگاشت عدالت در نظریه‌های شهر و شهرنشینی: نظریه شهری انتقادی و نظریه حق به شهر، هفت شهر، شماره ۵۰-۴۹. صص ۱۰۰-۱۱۳.
- حبیبی، سید محسن و امیری، مریم (۱۳۹۴)، حق به شهر: شهر موجود و شهر مطلوب آنچه هست و آنچه باید باشد؛ پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، سال ۵، شماره ۲، صص ۹-۳۰.

- زارع شاه آبادی، اکبر و غلامی، میثم (۱۳۹۸) رابطه بین حق به شهر و احساس تعلق در بین شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر یزد، نشریه مطالعات ملی، دوره ۲۰، صص ۹۵-۱۰۹.
- شارع‌پور، محمود؛ علیوردی‌نیا، اکبر و شعبانی، مریم (۱۳۹۵) بررسی میزان آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی نسبت به امور شهری و عوامل اجتماعی مرتبط آن، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال ۶، شماره ۱۸، صص ۱-۲۲.
- شکوری، رضا؛ مرجانی ارجنان، حمید و عطایی، میترا (۱۳۹۷)، تحقق‌پذیری حق شهری: شناسایی راهبردهای فضایی برآمده از حق شهری بر مبنای دستگاه فکری هانری لوفور، ششمین کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری و توسعه شهری پایدار ایران.
- علی‌بیگی علوی، حانیه (۱۴۰۰)، ارزیابی تاثیر شهرکهای لوکس دروازه‌دار بر شهر با تأکید بر رویکرد عدالت محیطی و در چارچوب مفهوم حق به شهر (نمونه مطالعاتی: شهرک باستی شهر لواسان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، به راهنمایی دکتر غلامرضا حقیقت‌نائینی، پردیس بین‌المللی فارابی دانشگاه هنر.
- عمادی، امیرحسین و درس‌خوان، رسول (۱۳۹۵) حق حضور در شهر عدالت محور: واکاوی نظری بر دیدگاه‌های دیوید هاروی، چهارمین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری.
- فرح‌زاد، مریم؛ رفیعیان، مجتبی؛ کامیابی، سعید و رغان، عباس (۱۳۹۷) شناسایی عوامل تاثیرگذار بر حضور و مشارکت زنان در فضای شهری از منظر حق به شهر، دوره ۳۳، شماره ۱، صص ۹۵-۱۰۸.
- قیومی، فاطمه (۱۳۹۷) الزامات برنامه‌ریزی شهری عدالت‌محور بر مبنای حق به شهر زنان در فضاهای شهری موردپژوهی: محله هفت حوض واقع در منطقه هشت تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.
- هاروی، دیوید و مری‌فیلد، اندی (۱۳۹۱) حق به شهر: ریشه‌های شهری بحران‌های مالی، ترجمه خسرو کلانتری، تهران، انتشارات مهر ویستا.
- یغفوری، حسین و کاشفی‌دوست، دیمین (۱۳۹۷)، ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های برآمده از حق به شهر (نمونه موردی: شهر پیرانشهر)، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۹، شماره پیاپی ۳، صص ۵۷-۶۸.
- Chen Misgav, C. & Fenster, T. (2016), Day by Day- Protest by Protest: Temporal Activism and the Feminist Mizrahi Right to the City, *Cities*, 76, 5-17.
- Hancock, C., Blanchard, S. & Chapuis, A. (2017), Banlieusard. E. S Claiming a Right to the City of Light: Gendered Violence and Spatial Politics in Paris, *Cities*. JCIT-01798; P. 6.
- Harvey, D. (2008). The right to the city. *The City Reader*, 6, 23-40.

- Hayward, C.R. & Swanstrom, T. (2011). Justice and the American Metropolis (Minneapolis: University of Minnesota Press).
- Massey, D. (1994), Space, Place and Gender, Minneapolis: Minnesota University Press.
- Purcell, M. (2014), Possible Worlds: Henri Lefebvre and the right to the city, Journal of Urban Affairs, 36, 141- 154.